

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: والری بورت (VALERY BURT)

برگردان: ا. م. شیری

۲۰ جولای ۲۰۲۴

ما به دقت با شما مشورت خواهیم کرد...



[در سنامه دیگری برای مقامات جمهوری اسلامی، از جمله، به رئیس جمهور، جناب دکتر پزشکیان که در یکی از

صحبت‌هایش اظهار داشتند: «ما که نمی‌خواهیم با دنیا بجنگیم...»!

اگر منظور رئیس جمهور محترم از «دنیا»، جهان غرب است، به نظرم اتفاقاً، به عکس، بر ایران لازم است با عنایت

به از هم دریدن قدرت بزرگی مانند اتحاد شوروی و جنگ دائمی با روسیه قدرتمند امروز، باید در جبهه جهانی

مبارزه علیه هژمونی غرب و نظام در حال فروپاشی تک قطبی، در چنان مکان رزمی موضع بگیرد، که بتواند ضربات

مؤثرتری به پیکر لرزان «دنیا» وارد کند.]- شیری

اسناد بایگانی یادآور «قصه پریان» قدیمی امریکایی است.

لبخند زدن، آغوش باز کردن، صحبت در مورد همکاری – همه این‌ها فقط جنبه خارجی روابط بین اتحاد جماهیر

شوروی و بعداً روسیه با کشورهای غربی بودند. در واقع، امریکا و شرکای آن خط خود را سرسختانه، اما مخفیانه پیش

می‌بردند. در طول مذاکرات، آن‌ها دروغ می‌گفتند، طفره می‌رفتند و معمولاً «سنگ در جیب نگه می‌داشتند». با این

وجود، به نظر جهانیان رسید که این رویارویی در پشت سر مانده است.

این واقعیت که واشنگتن هرگز مسکو را از فهرست دشمنان بالقوه خود خارج نکرده است، برای چندمین بار زمانی

تأیید شد، که مجموعه دیگری از اسناد بایگانی امنیت ملی امریکا علنی شد و آنچه را که در دهه ۹۰ در عرصه

بین‌المللی اتفاق افتاد، روشن کرد.

...اتحاد جماهیر شوروی دیگر وجود نداشت، متحدان سابق آن جهت سیاسی خود را تغییر داده بودند. بلوک وارسا وجود نداشت و اتحاد آتلانتیک شمالی آماده بود تصرف شرق را آغاز کند. اما برای این که مسکو را با اقدامات عجولانه نگران نکند، در جون ۱۹۹۴ یک برنامه باشکوه، اما، همانطور که معلوم شد، «مشارکت برای صلح» بدون امیدواری به کرملین پیشنهاد کرد. در عین حال، «تضعیف» منافع روسیه آغاز شد.

در سند تهیه شده توسط شورای امنیت ملی امریکا در اکتوبر ۱۹۹۴ تصریح شده است، که «امکان عضویت اوکراین و جمهوری‌های حوزه بالتیک در ناتو باید حفظ شود؛ ما نباید آن‌ها را به عنوان منطقه خاکستری یا حوزه نفوذ روسیه باقی بگذاریم». پس از آن، رهبری ناتو اعلام کرد که پذیرش کشورهای جدید در این اتحادیه را بررسی خواهد کرد.

اما چرا؟ پیمان آتلانتیک شمالی طبق منشور خود، یک اتحاد دفاعی است. پرسش: قرار بود از چه کسی در برابر چه کسی دفاع کند؟ این در واقع یک فریبکاری محض بود، روسیه، مانند اتحاد جماهیر شوروی سابق، مانند «استخوان در گلو» امریکا باقی ماند.

...بیل کلینتون، رئیس جمهور امریکا، در دیدار با باریس یلتسین، اظهار داشت که ناتو روسیه را تهدید نمی‌کند. وی تأکید کرد که می‌خواهد اتحادی تشکیل دهد که برای فدراسیون روسیه مشکلی ایجاد نکند، اما به امریکا اجازه دهد تا با اروپا برای حل مشکلات مشترک همکاری کند. ساکن کرملین طبق معمول لبخند زد، اما با احتیاط.

کلینتون که در رژه پیروزی سال ۱۹۹۵ شرکت کرد، صحبت‌ها دوباره به سمت ناتو کشیده شد. یلتسین صراحتاً گفت که این تصمیم خطرناکی بود. پاسخ کلینتون نامعلوم است.

پیشتر، در سپتمبر ۱۹۹۴، آل گور، معاون رئیس جمهور امریکا به یلتسین گفت: «کلینتون می‌گوید که ناتو گسترش خواهد یافت، اما این روند تدریجی و باز خواهد بود، ما به دقت با شما مشورت خواهیم کرد».

وعده‌های زیادی داده شد و آن‌ها در زورق لبخندها، تعارفات، اظهار اطمینان از دوستی، ظهور دوره جدید «پیچیده» شدند. این، یک نمایش سیاسی بود که همه دنیا تماشا کرد. اما هیچ کس نمی‌دانست در پشت صحنه چه خبر است...

آل گور که در دسمبر همان سال، به عیادت رئیس جمهور بیمار روسیه در بیمارستانی در مسکو رفت، او را متقاعد کرد که هدف امریکا ایجاد یک اروپای مشترک و «غیرقابل تقسیم» است. یلتسین سرش را تکان داد، اما مخالفت کرد و گفت: «ممکن است به این دست نیابیم». گور در این مذاکره ظاهراً برای خرسندی همکارش این عبارت را مطرح کرد: «عضویت روسیه در ناتو از نظر مفهومی منتهی نیست».

واقعاً می‌شد فکر کرد که همه چیز به این سمت می‌رود. در ماه مه ۱۹۹۷، سند پایمئی روسیه- ناتو در پاریس امضاء شد. در مقدمه این معاهده آمده بود که روسیه و پیمان آتلانتیک شمالی یک دیگر را به عنوان دشمن تلقی نمی‌کنند.

اما این توهم بود. واشنگتن برای خرید زمان بازی می‌کرد. و شاید هم امیدوار بود که رهبری روسیه را متقاعد کند. پیش از این، در مارچ ۱۹۹۷، رؤسای جمهور روسیه و امریکا بار دیگر در مورد ناتو صحبت کردند. کلینتون حداقل روی «تأیید از روی بی‌میل» حساب می‌کرد، اما یلتسین روی موضع خود ایستاد. او گفت: «موضع ما تغییر نکرده است. حرکت ناتو به سمت شرق یک اشتباه بزرگ است. اما من برای کاهش پیامدهای منفی این امر برای روسیه باید به اقداماتی دست بزنم. من حاضرم با ناتو توافق کنم نه به این دلیل که به آن علاقه‌مندم، بلکه به این دلیل که این یک اقدام اجباری است. در حال حاضر راه حل دیگری وجود ندارد».

یلتسین یک «توافق جنتلمانه» ثبت نشده در تفاهمنامه مبنی بر این که هیچ یک از جمهوری‌های سابق شوروی به ناتو نخواهد پیوست، پیشنهاد کرد. کلینتون ضمن ابراز مخالفت گفت: «این را نمی‌توان مخفی نگه داشت و چنین موضعی به نفع روسیه نیست».

با این حال، امتناع رئیس جمهور امریکا دلایل دیگری داشت. همانطور که پیشتر ذکرش رفت، شورای امنیت ملی امریکا در سال ۱۹۹۴ موضوع پذیرش اوکراین و جمهوری‌های حوزه بالتیک در ناتو را مخفیانه مورد بحث و بررسی قرار داد.

اوکراین همچنان دیوانه‌وار درهای پیمان آتلانتیک شمالی را می‌کوبد. لتونی، لیتوانی و استونی در سال ۲۰۰۴ به همراه بلغارستان، رومانی، اسلوانی و اسلواکی به عضویت ناتو در آمدند. لازم به یادآوری است که پنج سال قبل، زمانی که جمهوری چک، هنگری و پولند به این بلوک پیوستند، یلتسین خواستار «قاطعیت بدون لغزش به سوی تقابل» برای مقاومت در برابر مفهوم «ناتو محوری» شد. وی تصریح کرد که گسترش ناتو به شرق «برای روسیه غیرقابل قبول است».

افسوس، در آن هنگام یلتسین فقط می‌توانست اعتراض کند. این کشور ضعیف‌تر از آن بود که اراده خود را به امریکای قدرتمند دیکته کند. آن زمان بعداً فرار سید.

زمان لبخندهای غم‌انگیز فرار سیده بود – در نقطه اوج تشنج زدائی، هیچ دشمن قوی یا مودی در افق مشاهده نمی‌شد و ناتو به جمع‌آوری نیرو ادامه می‌داد. با این حال، موضوع شباهتی به مضحکه نداشت. بسیاری‌ها در غرب در اواخر دهه ۹۰ به «تسخیر اروپا» اعتراض می‌کردند و در این میان خطوط آینده یک رویارویی جدید را ترسیم می‌کردند. از جمله، در سال ۱۹۹۷، گروهی از افسران ارتش، سیاستمداران و دانشمندان امریکائی با امضای طوماری خطاب به رئیس جمهور امریکا، گسترش ناتو به شرق را «یک اشتباه سیاسی با ابعاد تاریخی» نامیدند.

دیگر دیر شده بود. تنها این باقی مانده بود که یادی از «آب‌نبات شیرین» امریکائی‌ها بکنیم. این هم پوشش برخی از آن‌ها: جمیز بیکر، وزیر خارجه امریکا هنگام دیدار با میخائیل گوربچوف در کرملین در ۹ ماه مه سال ۱۹۹۰ قول داد که اگر اتحاد شوروی با عضویت المان متحد به ناتو موافقت نماید، «نیروهای ناتو یک وجب هم به سمت شرق حرکت نخواهد کرد».

روز بعد، هانس دیتریش گنشر و ادوارد شوارندادزه، وزرای خارجه المان و اتحاد جماهیر شوروی در مسکو دیدار کردند. گنشر اطمینان داد که «ناتو به شرق گسترش نخواهد یافت». شوارندادزه در پاسخ گفت: «من به حرف تو باور می‌کنم».

پس چه؟ ناتو در دوره اتحاد شوروی متشکل از ۱۶ کشور بود. اکنون تعداد اعضای آن به ۳۲ رسیده است. هیچ توضیح و تفسیری لازم نیست.

بحث عضویت روسیه در ناتو در دوره رئیس جمهور دوم روسیه نیز ادامه یافت. ولادیمیر پوتین گفت: «یکی از آخرین دیدارهایمان با پرزیدنت کلینتون را که او به مسکو آمد، به خاطر دارم». من در جریان صحبت گفتم: شاید گزینه پیوستن روسیه به ناتو را بررسی کنید. کلینتون پاسخ داد: «من مخالف نیستم» اما همه اعضای هیأت همراه عصبانی شدند و «موضوع مسکوت ماند».

البته، پوتین «شوخی» می‌کرد. اما حرف او هراس به جان امریکائی‌ها انداخت. هفتاد سال قبل، زمانی که در سال ۱۹۵۴ مقر ناتو در پاریس واقع بود، اتحاد جماهیر شوروی پیشنهادی مبنی بر درخواست عضویت در ناتو ارائه داد. این، بسیار هیجان‌انگیز و یک بمب خبری بود!

استدلال مسکو درست بود. «چنین پیشنهادی سازماندهان بلوک آتلانتیک شمالی را در موقعیت دشواری قرار می‌داد و ماهیت دفاعی ظاهری آن و این ادعای غلط را که گویا ناتو به هیچ اقدامی علیه اتحاد جماهیر شوروی و دموکراسی‌های مردمی دست نمی‌زند» افشاء می‌کرد.

البته، پیشنهاد اتحاد جماهیر شوروی با امتناع عجولانه و غیرقابل درک مواجه شد: «این پیشنهاد با اصولی که سیستم دفاعی و امنیتی کشورهای غربی بر اساس آن استوار شده است، مغایرت دارد».

«اصول» ناتو تا امروز به همان شکل اولیه باقی مانده است. اکنون که این پیمان ماهیت تهاجمی خود را آشکارا نشان می‌دهد، رهبری آن همچنان ادعا می‌کند که سیاست ناتو همچنان ماهیت تدافعی دارد.

آیا می‌توان با آن‌ها به توافق رسید؟

مأخوذ از: بنیاد فرهنگ ستراتیژیک

۲۹ تیر- سرطان ۱۴۰۳